

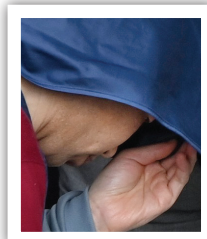


آزادی ۲ قاتل پشیمان از زندان

تلاش مسئولان دادسرای بندرعباس و واحد صلح و سازش زندان این شهر باعث شد ۲ زندانی که از مدت‌ها قبل به اتهام قتل عمد بازداشت و به قصاص محکوم شده بودند، از سوی اولیای دم بخشیده شوند. این دو نفر از مدت‌ها قبل در زندان به سر می‌بردند و حکم قصاص‌شان قطعی شده بود، اما در نهایت نجات یافتند.

آن سوی مرز

قتل دیگر در پرونده قاتل کودکان



جنایتکار ژاپنی که به اتهام قتل دختر بچه خردسال به حبس ابد محکوم شده بود، به‌خاطر ۲ قتل مشابه دیگر مجرم شناخته شد.

به گزارش همشهری به نقل از رسانه‌های ژاپن، در سال ۲۰۰۴ دختر بچه ۹ساله‌ای در استان تاتسوسو ژاپن به طرز وحشیانه‌ای به قتل رسید. بررسی‌های پلیس نشان می‌داد که قاتل، دختر بچه را در محلی خلوت گیر انداخته و بعد از آزار و اذیت وی، با ضربات چاقو به قتل رسانده بود. از آن زمان تحقیقات برای دستگیری قاتل آغاز شد، اما هیچ سر نشانی از وی نبود. تا اینکه چند سال پیش، مأموران پلیس به شواهدی دست یافتند که نشان می‌داد مردی به نام کونیهیکو کانسوتا عامل این جنایت است. کونیهیکو بعد از دستگیری با توجه به جنایت فجیعی که مرتکب شده بود از مسوی دادگاه به حبس ابد محکوم شد و به زندان افتاد. براساس گزارش پلیس، او در همه این سال‌ها در حبس بود تا اینکه اسمال کار آگاهان جنایی که پرونده‌های راکت را بررسی می‌کردند، به ۲ پرونده قتل دختر بچه‌ها برخورد کردند که یکی از آنها در سال ۲۰۰۶ اتفاق افتاده بود. دختر ۹ساله‌ای در استان هیوگو، توسط یک ناشناس با ضربات چاقو به قتل رسیده بود، اما هویت قاتلش هرگز معلوم نشده بود. پرونده دیگر، مربوط به دختر ۷ساله‌ای بود که در سال ۲۰۰۷ در حال بازگشت از پارک مورد حمله قاتل قرار گرفته و با چندین ضربه چاقو کشته شده بود. قاتل این کودک نیز با وجود تلاش پلیس پیدا نشده بود. بررسی پرونده‌ها نشان می‌داد که این قتل‌ها مشابه قتلی است که ۲۰ سال پیش توسط کونیهیکو رخ داده بود. در جریان این قتل‌ها، عامل جنایت دختران را مورد آزار و اذیت قرار می‌داد و برای کشتن‌شان از چاقو استفاده می‌کرد. بنابراین، تحقیقات پلیس دوباره آغاز شد و سرنخ‌های به‌دست آمده پلیس را به کونیهیکو رساند. بدین ترتیب ۲ اتهام دیگر به اتهام قاتلی اضافه شد که زندگی‌اش را پشت میله‌های زندان می‌گذراند. کونیهیکو در ۷ نوامبر (۱۷ آبان) اسمال، برای بازجویی به ایستگاه پلیس استان هیوگو منتقل داده شد و به‌زودی محاکمه خواهد شد.

رویداد

دستگیری قاچاقچی سوخت با گردش مالی ۵۳۰ میلیارد تومانی



مأموران مرزبانی با دستگیری سربازان قاچاق سوخت در آب‌های خلیج فارس به تجارت میلیداری او پایان دادند. به گزارش همشهری، چند روز پیش مأموران مرزبانی هرمزگان در جریان گشت دریایی، شناوری را توقیف کردند که حامل سوخت قاچاق بود. مأموران با توقیف این شناور ضمن کشف ۶۵۰ هزار لیتر سوخت قاچاق، فردی را دستگیر کردند که سرباز قاچاق سوخت در آب‌های جنوب بود. سردار احمدعلی گودرزی، فرمانده مرزبانی انتظامی در تشریح فعالیت این مرد گفت: این فرد سوخت را از کشور خارج و در کشورهای حاشیه خلیج فارس می‌فروخت. او در کشور امارات یک شرکت تجاری تاسیس کرده بود که پس از قاچاق سوخت، به وسیله آن پولشویی انجام می‌داد. سردار گودرزی درآرایی‌های این قاچاقچی مخوف را چند منزل در هرمزگان، شیراز و امارات به ارزش بالغ بر ۱۰۰ میلیارد تومان، ۱۲ دستگاه خودروی لوکس خارجی به مبلغ ۳۰ میلیارد تومان و ۵ فروند شناور فعال به ارزش ۱۵۰ میلیارد تومان برشمرد و گفت: وی از ابتدای سال تا چند روز گذشته ۵۳۰ میلیارد تومان گردش مالی داشته است.

فرمانده مرزبانی انتظامی با تأکید بر اینکه قاچاق سوخت در کشور سازماندهی شده است، گفت: ساختار مافیایی منسجمی برای قاچاق سوخت در کشور وجود دارد؛ به‌گونه‌ای که طبق آمارها، اسمال میزان سوخت قاچاق کشف شده در مقایسه با سال گذشته افزایش داشته است. وی درباره عملکرد مرزبانی برای شناسایی و دستگیری قاچاقچیان سوخت، افزود: مرزبانی کشور در ۷ ماه گذشته، ۴۴ سرباز قاچاق سوخت را که بیشتر در دریا بوده است، شناسایی و در این رابطه ۲۸ باند قاچاق را نیز منهدم کرده است. سردار گودرزی با بیان اینکه قاچاق سوخت در جنوب کشور به‌خصوص هرمزگان افزایش داشته است و این امر به دلیل کوتاهی و مشکلات دستگاه‌های مربوطه است، تصریح کرد: بارها به مسئولان مربوطه اعلام شده است که چند هزار شناور بی‌هویت در دریای شمال و جنوب وجود دارد که نظم‌بخشی به آنها بسیار سخت است و باید جلوی آنها گرفته شود؛ برای مثال برای برخورد با برخی از این قاچاق‌ها که از معابر رسمی صورت می‌گیرد، خیلی به ما این ایراد گرفته می‌شود که جلوی خودروهایی را که پاک اضافه دارند، نگیرید؛ حال آنکه منافع برخی افرادی که در این حوزه هستند در بی‌نظمی است؛ به این معنی که همه سیستم‌ها در کشور موجود است اما مشکل این است که این سیستم‌ها به یکدیگر متصل نیستند.

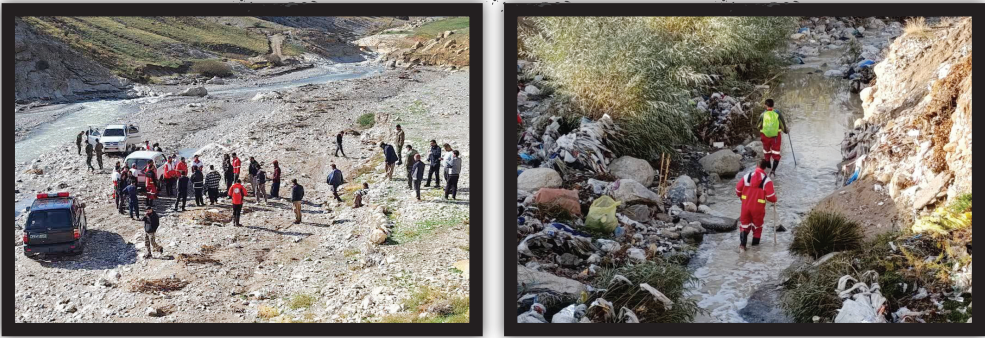


دانشجوی زاهدانی فرشته نجات ۳ بیمار شد

اعضای بدن دختر دانشجویی که دچار مرگ مغزی شده بود با رضایت خانواده‌اش به بیمار نیازمند اهدا شد. این دختر ۲۲ساله که فاطمه غلامی نام داشت، چند روز قبل در جریان یک سانحه رانندگی دچار مرگ مغزی شد. به‌دنبال این حادثه خانواده او ۲ کیلو و کبده وی را به بیماران نیازمند هدیه کردند.

لنگه کفش کنار کانال آب حادثه‌ای هولناک خبر می‌داد

سرنوشت غم‌انگیز دختر ۸ساله



گزارش فاطمه احدی روزنامه‌نگار

۱۸ ساعت جست‌وجوی امدادگران هلال احمر و تیم‌های مردمی برای یافتن دختر بچه ۸ساله ایلامی که به درون کانال آب سقوط کرده بود، با پیدا شدن پیکر بی‌جان او خاتمه یافت.

به گزارش همشهری، عصر سه‌شنبه بود که مهسا ۸ساله به همراه مادرش برای خرید از خانه‌شان در محله شادآباد شهرستان ایلام خارج شدند. هوایی بود و از روز قبل هواشناسی اعلام کرده بود که بارش باران در راه است، اما زمانی که آنها از خانه خارج شدند، هنوز خبری از باران نبود. قدم زدند و آنها در خیابان چند دقیقه‌ای طول کشیدند و حالا بارش باران آغاز شده بود؛ بارشی که هر لحظه بر شدت آن افزوده می‌شد. مهسا و مادرش مقابل مغازه‌ای در خیابان عاشورا توقف کردند. مادر برای خرید وارد مغازه شد و دختر بچه خردسال بیرون مغازه سرگرم تماشای باران بود. بارش باران به حدی شدید بود که در چشم برهم‌زدنی کانال آب مقابل مغازه مملو از آب شد و مهسا که در نزدیکی کانال بود، ناگهان به داخل آن سقوط کرد.

لنگه کفش دخترانه

درست در همان لحظه بود که مادر مهسابی خبر از حادثه‌ای که رخ داده بود، از مغازه خارج شد. ناگاهی به اطراف انداخت و وقتی دخترش را ندید به تصور اینکه خسته شده و به خانه رفته، راه خانه را در پیش گرفت. فاصله خانه آنها تا محل حادثه کوتاه بود و زن جوان وقتی به خانه رسید و دید و دخترش خبری نیست، وحشتزد به همان مغازه‌ای برگشت که از آن خبر داده بود. او با دیدن لنگه کفش مهسا که کنار کانال آب روی زمین افتاده بود به وحشت افتاد. زن جوان

تصور می‌کرد که دخترش روده شده اما وقتی دوربین‌های مغازه بررسی شدند، اسرار سقوط مهسا به کانال آب فاش شد. دختر خردسال به دنبال لنگه کفشش که به داخل آب افتاده به کانال نزدیک و داخل آن سقوط کرده بود.

یک خبر بد

هوا لحظه به لحظه سردتر می‌شد و باران همچنان ادامه داشت. پدر و مادر مهسا یک لحظه هم گریه‌شان بند نمی‌آمد. تنها کاری که از دست‌شان برمی‌آمد، دعا کردن بود. فردای آن روز، یعنی روز چهارشنبه (دیروز) وقتی هوا روشن شد، به تیم‌های جست‌وجو اضافه شد و تلاش برای یافتن دختر بچه عملیات هلال احمر ایلام در گفت‌وگو به همشهری می‌گردد: نیروهای محلی و امدادی همه تلاش خود را برای پیدا کردن کودک به‌کار بسته بودند تا اینکه حوالی ساعت ۲ بعدازظهر، ۲۵ کیلومتر دور از شهر ایلام و در روستای چم‌آب، جست‌وجوگران در رودخانه چشمش‌شان به پیکری افتاد که لابه‌لای سنگ‌ها گیر کرده بود. آنها خودشان را به دختر بچه رساندند اما متأسفانه با پیکر بی‌جان مهسا روبرو شدند. وی می‌افزاید: پیکر مهسا به دلیل اینکه آب آن را ۲۵ کیلومتر با خود برده بود، با آثار و نشانه‌های شکستگی و کبودی همراه بود که به پزشکی قانونی منتقل شد و این عملیات با پائینی تلخ همراه شد.

۸ ساعت تلاش بی‌وقته

حادثه‌ای که برای مهسا رخ داده بود، دهان به دهان چرخید و به گوش روستاهای اطراف رسید. علاوه بر تیم‌های امدادی، نیروهای مردمی نیز برای پیدا کردن کودک گمشده بسیج شدند. آنها و جب و به جب مسیر رودخانه را به دنبال مهسا می‌گشتند و با اینکه شب از نیمه گذشته بود، اما جست‌وجو ادامه داشت.

دونل خونین بر سر ۱۰ میلیارد سفته

صدای خنده‌های شان بیرون می‌آمد، اما یک مرتبه شوخی و خنده‌های شان جایش را به دعوا و درگیری داد. آنها به سختی با یکدیگر در گیر شده بودند. با اینکه به‌شدت ترسیده بودند، اما با همکاری وارد اتاق مدیر شدیم و در آنجا با پیکر خونین مدیر و دوستش روبرو شدیم. دوست مدیر زنده بود اما مدیر حرکت نمی‌کرد و به‌نظر می‌رسید که فوت شده باشد. ما با او رازش تماس گرفتیم و وقتی امدادگران آمدند گفتند که مدیر شرکت به قتل رسیده، اما دوستش را که از ناحیه شکم و گردن مجروح شده بود به بیمارستان منتقل کردند. آنطور که متوجه شدیم هر چند آنها با یکدیگر دوست بودند، اما اختلافات مالی داشتند و همین اختلافات باعث درگیری‌شان شده بود.

روز گذشته در شرایطی که ضارب با انجام اقدامات بموقع پزشکی از مرگ نجات یافته بود به دادسرای امور جنایی منتقل شد و به اتهام قتل عمدی تحت بازجویی قرار گرفت. او درباره درگیری‌اش با مدیر شرکت تولید پارچه گفت: ما از چند سال قبل با یکدیگر دوست شدیم و کار می‌کردیم. او تولیدکننده پارچه بود و من هم در زمینه پوشاک فعالیت می‌کردم. شرایط هر دوی‌مان خوب بود تا اینکه من به یکباره ورشکست شدم و ۲ میلیارد تومان بدهی بالا آوردم. از آن روز زندگی‌ام دگرگون شد و روزهای سختی داشتم تا

۲۰ دوست که از مدتی قبل با یکدیگر بر سر ۱۰ میلیارد تومان سفته دچار اختلاف شده بودند وقتی نتوانستند اختلاف‌شان را برطرف کنند با یکدیگر درگیر شدند که در این درگیری یکی از آنها به قتل رسید و قاتل نیز به‌دلیل شدت جراحات وارده تا یک قدمی مرگ پیش رفت.



به گزارش همشهری، ساعت ۱۹ سه‌شنبه به بازرس کشیک دادسرای امور جنایی تهران خبر رسید که مدیر یک شرکت تولید پارچه در دفترش با ضربات متعدد چاقو به قتل رسیده است. دقایق کوتاهی از اعلام این خبر می‌گذشت که تیم بررسی صحنه قتل راهی محل حادثه شد. کارآگاهان در آنجا با پیکر بی‌جان مدیر شرکت روبرو شدند که در دفترش روی زمین افتاده بود. شواهد نشان می‌داد عامل این قتل یکی از دوستان مقتول است که او نیز در این درگیری به‌شدت مجروح و به بیمارستان منتقل شده است.

این حادثه را یکی از کارمندان شرکت به پلیس گزارش کرده بود. او درباره آنچه اتفاق افتاده بود، گفت: ساعتی قبل یکی از دوستان مدیر شرکت به دیدن او آمد. آنها دوستان قدیمی بودند. در مدتی که این مرد در دفتر مدیر بود آنها مدام با یکدیگر شوخی می‌کردند و

جنایت به‌خاطر یک مشت دلار

کارگران شهر که به مأموران گفت: دقایق قبل که در حال عبور از کنار اتاقک نگهبانی شهرک بودم، نگهبان را دیدم که داشت در اقل می‌کرد. لباسش خونی بود و همین باعث شد که مشکوک شوم. از او درباره خون روی لباسش پرسیدم و نگهبان با دستپاچی مدعی شد که با یکی دعوایش شده است. من که بیشتر شک کرده بودم، از پنجره به داخل اتاقک نگهبانی نگاه کردم و متوجه شدم که فردی در اتاقک افتاده است. در آن لحظه چیزی به روی خودم

نگهبان شهرک مسکونی که به‌خاطر سرعت دلارهای مرد بنگاهدار او را به قتل رسانده بود، با گذشت خانواده مقتول از قصاص گرفت. به گزارش همشهری، اواسط مرداد سال ۱۳۹۷، پلیس اردبیل در جریان جنایتی خونین در یک شهرک‌های این شهر قرار گرفت. مقتول مردی ۴۰ساله به نام حسین بود که با ضربات چاقو به قتل رسیده بود و قاتل، نگهبان یکی از مجتمع‌های در حال ساخت بود که پس از جنایت توسط کارگران دستگیر شده بود. یکی از

۵ سال پشت میله‌های زندان

با تأیید این رای در دیوان عالی کشور شمارش معکوس برای اجرای حکم قصاص آغاز شد. عامل جنایت همچنان در زندان بود و در این مدت یک‌بار نامش در فهرست اجرای حکم قرار گرفت و او پای چوبه‌دار رفت، اما خانواده مقتول حکم را اجرا نکردند. در این شرایط بود که تلاش واحد صلح و سازش دادسرا و خیرین برای گرفتن رضایت اولیای دم شروع شد، اما خواسته آنها همچنان اجرای حکم قصاص بود. قاتل در این سال‌ها با ابراز ندامت شدید و پشیمانی قلبی از اشتباهی که مرتکب شده بود، روزها راسری می‌کرد و این در حالی بود که حتی مددکاران زندان هم که متوجه ندامت او شده بودند، شروع به تلاش برای جلب رضایت اولیای دم کردند. به‌رغم همه این تلاش‌ها، خانواده مقتول اصرار بر اجرای حکم داشتند و به این ترتیب چند روز پیش، جوان محکوم به قصاص پای چوبه‌دار رفت. آن روز تیم صلح و سازش، خیرین، معتمدان شهر و معاون دادستان اردبیل نیز در سالن اجرای حکم حضور یافتند و با وساطت آنها بود که خانواده مقتول تصمیم گرفتند به قاتل فرصت زندگی دوباره دهند. ابراهیم خلیلی برادر مقتول در گفت‌وگو با همشهری می‌گوید: بعد از اینکه برادرم به قتل رسید، تنها در خواست اجرای حکم قصاص بود. تا اینکه از طریق مسئولان زندان، باخبر شدم که قاتل در همه این سال‌ها توبه کرده و از اشتباهی که کرده بود، عذاب وجدان داشت: به همین دلیل تصمیم گرفتم از قصاص بگذریم و به او فرصت زندگی دوباره بدهیم تا شاید این تصمیم ما باعث آرامش روح برادرمان شود.

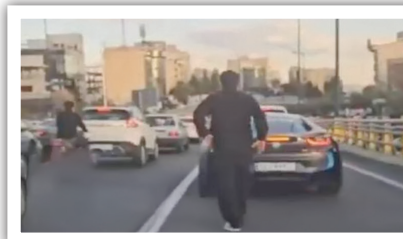
داخلی

محاکمه کلاهی‌دار با ۲۷ هزار شاکی



دومین جلسه دادگاه رسیدگی به پرونده کلاهی‌دار رضایت خودرو طراوت نوین با بیش از ۲۷ هزار شاکی روز گذشته در دادگاه ویژه رسیدگی به جرایم اخلاگران در نظام اقتصادی کشور در استان قزوین برگزار شد. به گزارش همشهری، گردانندگان این شرکت به بهانه فروش خودرو پایین‌تر از قیمت بازار از حدود ۲۷ هزار نفر ثبت نام کردند، اما فقط به حدود ۴ درصد از متقاضیان خودرو تحویل دادند و در نهایت معلوم شد که این شرکت کلاهی‌داری کرده است. در دومین جلسه رسیدگی به اتهامات متهمان این پرونده که به ریاست قاضی کلهر برگزار شد، ابتدا یکی از شاکیان به بیان شکایتش پرداخت و گفت: کلاهی‌داری که این شرکت انجام داد زندگی‌ام را نابود کرد. در این مدت فرزندم بیمار بود و چون سرمایه‌ام در اختیار این شرکت بود، نتوانستم به او رسیدگی کنم و فرزندم را از دست دادم. در ادامه، وکیل مدافع شماری از شاکیان به نمایندگی از آنها شکایتش را مطرح کرد و سپس نوبت به متهم رسید. او اول رسید تا از خود دفاع کند. او که پیش از ۲۷ هزار شاکی دارد، گفت: اگر اموال شرکت توقیف نمی‌شد، می‌توانستم بخش زیادی از سود شاکیان را بپردازم. او درباره شگردش گفت: بزرگ‌ترین کار دلالی و حق‌العمل‌کاری است. یک قرارداد به قیمتی پایین‌تر از بازار برای یک خودرو بسته می‌شد و پول این خودرو طی فرایندی وارد چرخه اقتصادی می‌شد. موعد تحویل دو هفته‌ها، ماهه، و گاهی ۸ ماهه بود. منبع پول‌هایی که پرداخت می‌کردیم تورم بود. اگر تورم وجود نداشت، از طریق یک کارخانه با لخط تولید و سرخانه و انبار آن، ۲۰۰ تراشه مسکونی و زمین‌های مسکونی و تجاری و صنعتی در تاکستان و قزوین و ۱۸۰ دستگاه خودرو که الان حدود ۱۳ همت ارزش دارند، پرداخت می‌شد. در ادامه این جلسه قاضی از متهم پرسید: شما ۴۲ همت باید به مردم پول بدهید. چگونه می‌خواهید پول مردم را پس بدهید؟ او جواب داد: فرصت دهید خط تولید شرکت را اندازی شود تا پول مردم را پس دهم. در پایان این جلسه رئیس دادگاه به مردم و شاکیان اطمینان داد که در این پرونده به ترک فعل‌های احتمالی نیز رسیدگی خواهد شد. قرار است ترکی‌های به این پرونده در روزهای آینده ادامه پیدا کند.

زور گیر فیلم جنجالی دستگیر شد



چند روز پس از انتشار فیلمی از تلاش یک شرور برای زورگیری از سرشنس یک خودروی لوکس، این فرد با دستور دادستان تهران شناسایی و دستگیر شد. به گزارش همشهری، چند روز قبل فیلم کوتاهی در فضای مجازی منتشر شد که در آن شروری در فیلم می‌داد که در ترافیک و از کدام خودروها پول وی پارکوی قصد داشت با شکستن شیشه خودرویی لوکس با تهدید چاقو از سرشنس آن زورگیری کند. او چند ضربه به شیشه این خودرو زد و چاقوی بزرگی هم از زیر لباسش بیرون کشید، اما نتوانست نقشه‌اش را عملی کند. در ادامه سوار بر موتورسیکلت همدستش دست‌خالی از آنجا فرار کرد. جزئیات این زورگیری نافرمان را یکی از شهروندان گوشی موبایلش فیلمبرداری و در شبکه‌های اجتماعی منتشر کرده بود و انتشار همین فیلم باعث جنجالی شدن ماجرا شد. انتشار این فیلم در شبکه‌های اجتماعی و کنش‌های مختلفی همراه داشت و کاربران خواستار برخورد با مرد خشن شدند. چند روز از این حادثه گذشته بود که مرکز رسانه قوه قضاییه از دستگیری این زورگیر با دستور دادستان قوه قضاییه خبر داد و اعلام کرد تا تلاش مأموران فراچاو و همدستش شامگاه سه‌شنبه دستگیر شدند.

تعقیب و گریز خونین پلیس با سارقان

درگیری پلیس و دزدان فراری با مرگ یکی از سارقان پایان یافت. به گزارش همشهری، روز سه‌شنبه مأموران گشت کلانتری شهسوار در خیابان ۱۷ شهپور به سرشنس یک خودروی پراید مظنون شدند. آنها به‌محض دیدن پلیس فرار کردند و هنگام فرار یکی از آنها شروع به تیراندازی به سوی مأموران کرد. تعقیب و گریز مأموران با سرشنس‌نمان پراید از خیابان ۱۷ شهپور تا منطقه هفت‌حوض ادامه پیدا کرد تا اینکه سرانجام مأموران با به‌کارگیری قانون استفاده از سلاح اقدام به تیراندازی به‌سوی پراید کرده و آنها را متوقف کردند. سرنگی یک هم‌خانگی، معاون اجتماعی پلیس تهران گفت: در جریان این تیراندازی راننده این خودرو هدف اصابت گلوله قرار گرفته که در بیمارستان جان باخت. همچنین در بررسی‌های بیشتر مشخص شد این خودرو سرقتی بوده و یک قبضه کلت کم‌ری نیز از متهمان کشف شد.

